

مفهوم مداخله و کیل مدافع در تحقیقات مقدماتی

امیرمسعود مظاهری^۱

چکیده

مقنن ایرانی با وجود پذیرش اصل حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، آن را منوط به عدم مداخله در امر تحقیق کرده است. مفهوم عبارت «بدون مداخله در امر تحقیق» مندرج در ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ا.ک. در رویه قضائی ایران مبهم مانده است. با توجه به تعهدات بین‌المللی دولت ایران و تفسیرهای صورت گرفته از مقررات موجد حق استفاده از معاضدت وکیل مدافع به‌عنوان حقی بنیادین برای کلیه انسان‌ها و نیز تحلیل مبانی حق‌های دفاعی متهم در آیین حقوق اساسی و اصل برابری در برابر قانون و همچنین حکومت قانون در جامعه مدنی، وکیل مدافع متهم دارای کلیه حق‌های شناخته‌شده برای متهم بوده و اقدام‌های وی در جهت اجرای قانون در جریان تحقیقات مصداق مداخله ممنوعه در امر تحقیق نیست.

این تفسیر منطقی برخاسته از اصول و مبانی حقوقی با ظاهر مقررات و رویه قضائی موجود سازگاری کاملی ندارد. ولی، به‌نظر از مبانی مستحکمی بهره‌مند است و با غرض تصویب‌کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در حکم قانون داخلی ایران است، موافقت بیش‌تری دارد.

واژگان کلیدی

دادرسی عادلانه، مداخله مؤثر وکیل مدافع، تعهدات بین‌المللی دولت، مداخله، تحقیقات مقدماتی، حکومت قانون، برابری افراد در برابر قانون

مقدمه

در پی تلاش‌هایی که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی برای تکریم شخصیت انسان و صیانت از حقوق شهروندان صورت گرفته، تضمین و رعایت حقوق شهروندان در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در پناه قانون مورد تأکید بوده است. این توجه به‌ویژه در حوزه مسائل کیفری - که شهروندان بر خلاف فرض بی‌گناهی به گمان آنکه شاید نقض قانونی از ایشان صادر شده باشد، با محدودیت‌هایی در حق‌های فردی و اجتماعی‌شان روبه‌رو می‌شوند - حساسیت بیش‌تری دارد.

حقوق دانان کوشیده‌اند تا با تضمین و رعایت حق‌های دفاعی متهم - از جمله، تأکید حق متهم بر استفاده از مشورت وکیل مدافع یا مشاور حقوقی - از همان مرحله‌های ابتدایی ورود فرد به فرایند دادرسی کیفری ضمن ایجاد توازن میان تلاش برای حفظ نظم عمومی و تأمین حق‌های فردی، به ترافعی شدن هرچه بیش‌تر دادرسی و کاستن از ویژگی‌های تفتیشی دادرسی کیفری اقدام کنند.

میزان مداخله وکیل مدافع به عنوان فردی متخصص و آگاه بر ظرافت‌های قضائی که به نمایندگی و به همراه متهم در مرحله‌های دادرسی حاضر می‌شود، همواره محل اختلاف صاحب‌نظران بوده است. به طور سنتی، وکیل مدافع در مرحله تدارک و تهیه دلایل - یعنی مرحله تحقیقات ابتدایی و تحقیقات مقدماتی - به بهانه جلوگیری از عروض مانع بر سر کشف حقیقت با ممنوعیت روبه‌رو بوده است. ولی، در دهه‌های اخیر و در سایه اصل برابری سلاح‌ها - که از آن به اصل تناظر نیز یاد می‌شود - میان طرف‌های دعوای کیفری یعنی نهاد تعقیب و متهم، حق به همراه داشتن وکیل مدافع در این مقطع از رسیدگی نیز خالی از تردید ماند. ولی، سوابق تفتیشی مرحله تحقیق همچنان بر وضعیت موجود

رسیدگی مقدماتی سایه افکنده است.

پس از سال‌های طولانی که قانون‌گذار ایرانی با سرعت یک‌نواخت و هم‌سو با این جریان حرکت نکرده است و همچنان در وضعیتی قدیمی و غیرمتناسب با این تحولات، وکیل مدافع را از دخالت در امر تحقیق باز می‌دارد و حتی گاه به این بهانه می‌تواند وی را از حضور در جلسه‌های تحقیق منع کند.

در این نوشتار، تلاش شده است تا با تحلیلی حقوقی ضمن تبیین معنایی که از منظر اصول حاکم بر دادرسی عادلانه برخاسته از آموزه‌های حق‌مدارانه از عبارت «مداخله در امر تحقیق» استنباط می‌شود، به تفسیری منطقی از ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ا.ک. دست یابیم.

۱. اهمیت مداخله وکیل مدافع در دادرسی کیفری

تحقیقات مقدماتی در نظام‌های دادرسی کیفری مختلط که بر اساس اصول حاکم بر نظام تفتیشی (سری، غیرترافعی و کتبی) سامان می‌یابد، تقابل نابرابر دو هم‌آورد است که در یک سو تشکیلاتی گسترده و دارای همه اقتدارات و اختیارات در جمع‌آوری دلایل، با استفاده از گروهی متخصص و آگاه به ظرافت‌های تحقیق و بازجویی، و در سوی دیگر فردی تنها و بدون آگاهی از حق‌های خود و ظرافت‌های امر تحقیق و قضا — که حتی گاه ناآگاهانه و به خیال دفاع مثبت از خویش مطلبی کاملاً به زیان خود بیان می‌کند^۲ — نتیجه چنین تقابلی از پیش معلوم است. همراه داشتن وکیل می‌تواند این نابرابری را تا اندازه‌ای جبران کند.

اهمیت مداخله وکیل به‌ویژه آنگاه بیش‌تر ملموس است که توجه کنیم از آنجا که وظیفه تأمین نظم و امنیت جامعه بر عهده دولت گذاشته شده، عدم شناسایی مرتکب از نگاه عموم بر بی‌کفایتی و ضعف سامانه عدالت کیفری دلالت دارد

۲. به تحقیقات پلیس اصطلاحاً تحقیقات ابتدایی و به تحقیقات بازپرس تحقیقات مقدماتی اطلاق می‌شود.

و همین محذور است که گاه متصدیان کشف موضوع را به توسل به راه‌های غیرقانونی کشف دلیل ناچار می‌سازد.

از طرف دیگر، تجربه‌های تلخ ناشی از کیفر شدن بی‌گناهیانی که فقط به طمع فرونشاندن التهاب ناشی از ارتکاب جرم در جامعه از سوی صاحبان قدرت مجازات می‌شدند، موجب تضعیف اعتماد عمومی به دولت و به خطر افتادن مبانی همزیستی اجتماعی شد.

سرانجام، همراه داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضائی وی به‌عنوان حقی اساسی و مسلم در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت و حتی کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد دسترسی و حضور وکیل مدافع را به عنوان راهبردی اساسی در کاهش شکنجه در تحقیقات پیش از محاکمه اعلام کرد.

ولی، حضور وکیلانی مستقل، فعال و متعهد به رعایت حق‌های بنیادین بشر به‌عنوان نگهبانان رعایت قانون، اغلب از سوی مراجع مسؤول امر تحقیق و کشف جرم مورد اقبال قرار نمی‌گیرد. زیرا، چنین وکیل مدافعی علاوه بر اینکه به‌مثابه چشم تیزبین فرشته عدالت مانع از انحراف مسیر تحقیقات و توسل مسؤولان کشف جرم به شیوه‌های غیرقانونی می‌شود، اظهارات وی به‌عنوان شاهد جریان نقض قانون از سوی مأموران قانون قابل استماع و استناد خواهد بود.

۲. تعهدات بین‌المللی ایران بر تعیین حق متهم در دسترسی به

معاضدت وکیل مدافع

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله اسناد بین‌المللی تضمین‌کننده حقوق بشر است که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه

روز سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۱، در جلسه روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به تصویب مجلس سنا رسید و به حکم ماده ۹ ق.م. در حکم قانون داخلی و لازم‌الاجرا است.

ماده (د) (۳) ۱۴ این سند بین‌المللی مقرر می‌دارد: «۳- هر کس متهم به ارتکاب جرم بشود، با برابری کامل دست‌کم تضمین‌های زیر را خواهد داشت: ... د: در محاکمه حاضر شود و به‌شخصه یا توسط وکیل برگزیده خود از خویش دفاع کند...».

به نظر می‌رسد که قید «دست‌کم» در این ماده موجب شده که دولت‌ها مکلف به رعایت حق‌های مندرج در بند ۳ ماده ۱۴ باشند؛ زیرا، شرطی حداقلی و مبنایی را مطرح کرده است.

تدوین‌کنندگان میثاق به موجب ماده ۲۸ کمیته‌ای مرکب از هجده عضو از اتباع دولت‌های مختلف عضو را به‌عنوان متصدی نظارت بر رعایت مواد مختلف میثاق در کشورها تعیین کرده‌اند و دولت‌ها نیز به موجب ماده ۴۰ میثاق متعهد شده‌اند که درباره تدابیر اتخاذی خود که به حق‌های شناخته‌شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و درباره پیش‌رفت‌های به دست آمده در بهره‌مندی از این حق‌ها، گزارش‌هایی به کمیته مزبور بدهد.

همچنین، سازوکار تشکیل یک کمیسیون و تهیه گزارش در مورد وضعیت رعایت مواد مختلف میثاق و ارجاع آن به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از سال ۱۹۹۰ تاکنون گزارش‌های متعددی درباره وضعیت رعایت حقوق بشر به‌ویژه با توجه به این میثاق صورت گرفته است که انتقادهایی به وضعیت رعایت حقوق متهمان در جریان دادرسی از مهم‌ترین مسائل مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران برشمرده شده است؛ به نحوی

که، در صفحه نهم گزارش مأمور ویژه بررسی کننده در سال ۱۹۹۶ که در سند E/۴.cn/۱۹۹۶/۵۹ منتشر شده، در پاراگراف (ا) ۲۹ و پاراگراف ۵۲ به محدودیت‌های فعالیت و کیل مدافع در جریان تحقیقات مقدماتی اعتراض شده است. این اعتراض‌ها به اندازه‌ای گسترده و دقیق بوده که نماینده اعزامی جمهوری اسلامی ایران به کمیته حقوق بشر پس از بازگشت از سفر خویش درخواست‌های متعددی از مراجع قضائی و انتظامی کشور می‌کند:

«از مراجع قضائی و انتظامی، حکام شرع، دادرسان دادگاهها، بازپرسان، دادیاران، بازجویان و مأموران انتظامی انتظار می‌رود که بیش از پیش در رعایت قوانین و ضوابط حاکم در دادرسی و صدور احکام و قرارهای منسجم و مستدل و مبتنی بر قانون و مراعات حقوق کامل متهم و اصحاب دعوی و حسن رفتار، کوشا باشند... دادن حق دفاع به متهم، ممنوعیت شکنجه، حسن رفتار با متهمان و ..» [رعایت گردد].

«بیش‌ترین سؤالات و ایرادات کمیته در زمینه... ندادن فرصت و امکانات دفاع به متهمین و عدم دست‌رسی آنها به وکیل مدافع ... مطرح می‌شد» | ۱۴:۸۰].

مرجع وضع میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد در سندی توصیه‌ای با عنوان اصول اساسی نقش وکیلان، مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمان که در ۲۷ آگوست تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در هاوانا تشکیل شد، در راستای سیاست‌های پیشین خود در تضمین حقوق متهمان - و به تعبیر نگارنده در جهت تبیین مفهوم دقیق مورد نظر از ماده (د) (۳) ۱۴ میثاق - در اصول متعدد خود از جمله اصل یکم، پنجم، هفتم و نوزدهم تأکید می‌کند.

ماده ۱: «کلیه افراد حق دارند که از مساعدت و کیلی که خود انتخاب کرده اند به منظور حمایت و اثبات حق خود و دفاع از آنها در کلیه مرحله‌های رسیدگی جزایی

بهره‌مند باشند».

ماده ۱۹: «هیچ دادگاه یا مقام اداری که حق استفاده از وکیل مدافع را به رسمیت شناخته است، نباید مانع حضور وکیل به منظور دفاع از موکل خود شود...».

همچنین، در جریان سخنرانی‌هایی که در جریان دومین جلسه مذاکره دوجانبه درباره حقوق بشر میان اتحادیه اروپا و ایران در ۱۴ و ۱۵ مارس ۲۰۰۳ در بروکسل انجام شد، آقای کریستیان آهلوند رئیس کمیته حقوق بشر شورای قانون‌های و کیلان و جوامع حقوقی اتحادیه اروپا، توجه طرف‌های ایرانی را در خصوص تعهد دولت‌ها در رعایت حقوق متهمان در مرحله پیش از محاکمه (تحقیقات ابتدایی پلیس و تحقیقات مقدماتی بازپرسی) از جمله بهره‌مند شدن از معاضدت مؤثر وکیل مدافع جلب می‌کند [۱۲].

۳. فعالیت وکیل مدافع با معیارهای حقوق اساسی

در تلقی مدرن از کارکرد دولت که ایجاد رفاه، نظم و امنیت خاطر برای شهروندان از وظایف اصلی آن قلمداد شده، سامانه قضائی — به‌عنوان بخش اعمال‌کننده قدرت سیاسی دولت در زمینه واکنش علیه نقض قانون — و حکومت قانون جایگاه ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر، اصل برابری همه افراد در برابر قانون و حمایت مساوی همگان در برابر اراده عمومی جامعه که در قالب قانون متبلور شده است، امری خلاف‌ناپذیر انگاشته می‌شود.^۲

بدین ترتیب، بازپرس، متهم و وکیل مدافع هر سه در موقعیتی برابر و تحت حاکمیت قانون قرار دارند. سرانجام، ضرورت تقسیم کار اجتماعی سبب شده است که بازپرس مسؤول احراز نقض قانون از سوی متهم آن هم با رعایت موازین و اختیارات استثنائی که قانون‌گذار در اختیار وی نهاده است، بنا بر این، هر آنچه را قانون

۳. توجه به اصل ۹ و فصل حقوق ملت قانون اساسی.

توسل به آن را در بازپرسی برای کشف حقیقت معتبر شناخته، جایز و غیر آن فاقد وجهت قانونی و بی اعتبار است.

از این رو، وکیل مدافع به لحاظ قانونی با توجه به سوگندی که در ابتدای گرفتن پروانه وکالت ادا می کند، مکلف به تأمین حق های موکل و تأمین رعایت و اجرای قانون در مورد موکل خویش است، از نقض قانون از سوی مقام تحقیق خودداری می کند. به همین اعتبار، با توجه به اصل برابری همگان در برابر قانون، مقام تحقیق و وکیل مدافع به مثابه مصداق هایی از همگان مسؤولیتی برابر در راستای صیانت از احکام قانون داشته و اقدام ها و اظهارات وکیل برای اجرای قانون مصداق مداخله که واجد بار منفی است، نبوده و اصولاً نمی تواند مورد نهی مقنن قرار گرفته باشد. زیرا، اهتمام مقنن در جهت اجرای قانون است.

۴. فعالیت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی از منظر رویه قضائی ایران

رویه قضائی ایران هم سو یا همراه با تحولات روز حق های طرف های دعوی کیفری پیش نرفته و نتوانسته است خود را از ورطه اندیشه عموم و اطلاق تفتیشی بودن رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی بیرون کشد. ماهیت اقدام های پلیسی انجام شده در این مرحله و محدودیت های ناشی از قوانین موجود در مرحله تحقیق همواره خطر حذف عملی وکیل مدافع متهم را از میان حاضران در انجام فرایند تحقیق ایجاد کرده است.

با وجود این، درباره مفهوم ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ا.ک. دو تفسیر در سامانه قضائی ایران

به چشم می خورد:

تفسیر نخست که بسیار تنگ نظرانه و در تنافی با غرض اصلی قانون گذار و با برداشتی مغایر با حق های بنیادین متهم است، کوچک ترین اظهار نظر وکیل مدافع

را در جریان تحقیقات جایز ندانسته و فقط در آخرین جلسه تحقیق و پیش از گرفتن آخرین دفاع متهم، به استماع اظهارات وکیل مدافع که آن نیز نباید بر مبنای نظر قاضی مداخله‌جویانه تشخیص داده شود، اکتفا می‌کند؛

تفسیر دوم که هر چند باز موافق اصول حاکم بر دادرسی عادلانه نیست، اندکی با معیارهای اجرای عدالت کیفری در مرحله تحقیقات سازگارتر است و پایان هر جلسه تحقیق را زمان مناسب برای استماع اظهارات وکیل مدافع می‌انگارد.^۴

ولی، هر دو تفسیر در امری قدر جامع دارند که همانا عدم اذن به وکیل مدافع در فعال بودن و اتخاذ اقدام مؤثر در فرایند تحقیق و بازپرسی است.

بدین ترتیب، مصداق‌های مداخله وکیل در امر تحقیق در رویه قضائی ایران در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه نسبتاً جدید خود در ۸۲/۱۲/۲ ضابطه‌ای در این باره به دست داده که به موجب آن، توسل به اقدام‌هایی که وکیل مدافع می‌تواند در مرحله محاکمه در دادگاه انجام دهد، در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاک مداخله وکیل در امر تحقیق دانسته است.

اداره حقوقی در نظریه ۷/۸۳۳۲ بیان داشته است: «مطالعه پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط وکیل دخالت در امر تحقیق محسوب می‌شود و اگر جز این گفته شود فرقی بین مرحله تحقیق و مرحله دادرسی نخواهد بود. زیرا در مرحله دادرسی وکیل می‌تواند پرونده را مطالعه و از موکل دفاع نماید، حال اگر در مرحله تحقیق هم چنین اجازه‌ای به وکیل داده شود فرقی بین آن دو مرحله نخواهد بود. حال آنکه مقنن با تصویب ماده ۱۲۸ ق. آ. د. ک. ۱۳۷۸ خواسته است بین آن مراحل فرق بگذارد. بنابراین در مرحله تحقیق وکیل حق مطالبه و مطالعه پرونده را ندارد و فقط همان طور که در قانون آمده، می‌تواند

در جلسات بازپرسی و تحقیقات مقدماتی شرکت کند و پس از پایان جلسه اگر مطلبی یا توضیحی دارد بیان نماید».

نتیجه گیری

۱. با وجود حرکت معاصر به سمت ترافیکی کردن کلیه مرحله‌های دادرسی و ایجاد توازن و تناظر میان طرف‌های دعوا در سامانه قضائی ایران، همچنان دخالت مؤثر وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته نشده که خلاف تعهدات بین‌المللی کشور در این زمینه است؛
۲. حدود و ثغور میزان اختیارات وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی در قوانین جاری مبهم و برخورد رویه قضائی با آن سخت‌گیرانه است؛
۳. مفهوم دقیق عبارت «بدون مداخله در امر تحقیق» باید از طریق احراز نظر مقنن و با عنایت به سایر انشاء اراده‌هایی که در این زمینه صورت داده انجام گیرد. در این راستا، مرجع وضع میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اسناد دیگری را در این زمینه منتشر کرده است که اراده واقعی خود را مبنی بر لزوم دخالت فعال و مؤثر وکیل در امر تحقیقات بیان داشته و می‌دانیم تفسیر مقام وضع‌کننده در منطبق حقوقی، بر سایر تفسیرها اولویت دارد؛
۴. بازپرس و وکیل مدافع مقید به قانون اند. بنا بر این، مواردی از اقدام‌های وکیل مدافع که در راستای یادآوری قانون و حق‌های متهم به بازپرس است، نباید مداخله در امر تحقیق تلقی شود و فقط اقدام‌هایی که مصداق جرم بوده و با منع قانونی روبه‌روست و موجب اختلال در روند قانونی تحقیق است، باید منع شود (مانند پنهان کردن دلایل جرم، سوگند و شهادت دروغ، افترا و ...). در واقع، به نظر می‌رسد که وکیل مدافع به‌عنوان زبان‌گویای متهم دارای کلیه حق‌ها از جمله اعتراض به پرسش تلقینی

بازپرس، اعتراض به تحقیق درباره موضوعی که اتهام آن هنوز به متهم تفهیم نشده است، سکوت در برابر پرسش بازپرس و ... است. بدیهی است که کل جریان باید در صورت جلسه‌ها قید شده و ارزیابی ارزش اثباتی آنها به دادگاه بی طرف سپرده شود.

کتاب‌شناسی

۱. آزمایش، علی؛ تقریرات دروس حقوق کیفری؛ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای حقوق کیفری دانشگاه تهران، از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵.
۲. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ هشتم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۳. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۲، چ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۴. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ نهم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۵. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۲، چ ششم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۷. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنارد؛ آیین دادرسی کیفری؛ مترجم: دادبان، حسن؛ چاپ اول انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۸. جوان، موسی؛ مبانی حقوق جزای ایران؛ شرکت چاپ رنگین، ۱۳۶۶.
۹. سن، آمارتیا؛ برابری و آزادی؛ مترجم: فشارکی، حسن؛ چاپ اول، نشر شیرازه، ۱۳۷۹.
۱۰. کاتوزیان، ناصر؛ حکومت قانون و جامعه مدنی؛ انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۱۱. کوهن، کارل؛ **دموکراسی؛ مترجم: مجیدی، فریبرز؛** چاپ اول، انتشارات خوارزمی ۱۳۷۱.
۱۲. کیاروم، مورتن و نیلسون فلوت، ادام و هانسون، تینایو؛ **حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه؛** انتشارات یانسون اند نس.
۱۳. **گزیده‌ای از اسناد بین المللی حقوق بشر؛** مرکز مطالعات حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۴. **مهرپور حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران؛** انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه

○ دادرسی عادلانه در امور جنایی

○ ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری

○ اخلاق‌نامه دیوان اروپایی حقوق بشر



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی